

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جزوه پیشخوان انتخابات

ویژه رایان و مبلغان

مدرسه علمیه صالحیه

پیشگفتاری برای مبلغان و راویان

خداوند همواره، به مؤمنین این وعده را داده است که اگر او را یاری رسانند، خداوند ایشان را یاری می کند، "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ" نصرت خداوند در هر برهه‌ای از زمان به انحاء مختلفی صورت گرفته است. گاهی نصرت با شرکت در جهاد بوده است، گاهی با شرکت در عرصه‌ی علم و تحقیق صورت می‌گیرد. امروز طبق فرموده‌ی امام حاضر انقلاب، و با فعالیت چندین برابر دشمنان اسلام، نصرت خدا به صورت شرکت در انتخابات می‌باشد. عرصه‌ای که می‌تواند پایه‌های نظام اسلامی را استحکام ببخشد. و به فرموده امام خامنه‌ای (حفظه الله) عرصه انتخابات امسال همراه با مشارکت حداکثری صورت بگیرد. تا نظام، و کشور اسلامی آبرومندی داشته باشیم. با صدور فرمان از مرکز فرماندهی وظیفه همگان در میدان پیش رو مشخص گردیده است. حوزه‌های علمیه هم به عنوان مرکز انقلاب اسلامی و به عنوان پایگاه مبانی انقلاب وظیفه دارد تا در تحقق فرمان فرمانده و بکوشد و تا احقاق این امر از پای ننشیند. لذا طلاب وظیفه دارند تا مردم را نسبت به انتخابات راهنمایی کرده تا مردم با بصیرت تمام و انتخاب از روی آگاهی در این عرصه شرکت کنند. لذا برای تسهیل در وقت روحانیت و طلاب معزز، سیری طراحی شده است تا بتوانند مردم را به صورت صحیح راهنمایی کنند این سیر دارای سه مرحله می‌باشد و برای آنکه مبلغین تسلط کافی بر روی ارائه محتوا داشته باشند؛ جزوه پیشخوانی تنظیم شده است. مکتوب حاضر به زبان محاوره‌ای نوشته شده است تا مبلغین گرامی در ارائه محتوا با کمتر مشکلی روبرو باشند. لذا اگر قسمتی از جزوه به زبان ادبیاتی نوشته شده است مبلغ گرامی متن را به صورت روان و گفت و گو تغییر دهد. در جزوه تذکراتی خدمت راویان با علامت # آورده شده است که حتما باید مورد اهتمام مبلغان و راویان قرار گیرد. امید است با این کار توانسته باشیم به فرمان و دستور فرمانده معظم کل قوا لبیک گفته باشیم و وظیفه خود را نسبت به انقلاب و شهدا انجام دهیم.

والسلام علی من اتبع الهدی.

تابلوی اول

مقدمه ورود به بحث

دین اسلام از زمان پیامبر اکرم تا الان (عصر انقلاب اسلامی) - همواره با فراز و نشیب ها و مشکلاتی مواجه بوده است. چه مشکلات داخلی و چه مشکلاتی که عوامل آن خارج از مرز کشور اسلامی بوده است. و همواره مسلمان تلاش میکردند تا این موانع و مشکلات را کنار بزنند و به موفقیت دست یابند.

رمز یا فرمول موفقیت

خداوند متعال رمز و فرمول موفقیت مسلمانان را به پیامبر خود در قرآن فرموده است آن فرمول، فرمول ایمان است که باعث برتری و موفقیت مسلمانان می شود، خداوند در آیه ۱۳۹، سوره آل عمران، خطاب به مسلمانان میفرماید: "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" ترجمه: و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید." خداوند در این آیه به مسلمانان میگوید ایمان رمز موفقیت و برتری شما است. یا در آیه ۳۰ سوره فصلت میفرماید: إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِيلٌ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزِنُوا "به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید» " مورد استفاده ما از آیه دوم در قالوا ربنا الله است و نتیجه آن. مبلغ در صورت نیاز میتواند به استقامت هم اشاره کند.

نتیجه ایمان

یعنی نتیجه ایمان و یقین به اینکه "فقط خدا پروردگار ما است" رفع حزن و ترس است. کسی که مؤمن واقعی به خدا است ترسی از غیر خدا ندارد و مصائبی که به او میرسد موجب حزن او نمیشود.^۱ اما سوال اصلی اینجاست که ایمان واقعی چه ایمانی است.

ایمان واقعی

ایمان چیست؟

مسئله ایمان این گروه قلبی، وابستگی فکری و اعتقادی و روانی به یک مطلب به یک شخص، به یک قطب و به یک مرکز، که نامش ایمان است، تنها به همین خلاصه نمیشود که در قلب، انسان این گروه و گرویدگی را داشته باشد. آن وقتی ایمان به صورت راستین در کسی وجود دارد که بر طبق آن ایمان عمل کند؛ مؤمن واقعی است، که به لوازم ایمان و تعهدات ایمان پایبند باشد. آن وقتی کسی میتواند بگوید من به خدا مؤمن و معتقدم، که زندگی او متن واقعیت وجود او، با آن کسی که منکر خداست تفاوت داشته باشد.^۲

این بخش (چیستی ایمان) صرفاً برای اطلاعات بیشتر مبلّغ میباشد. لذا نیازی نیست تا این بحث در ارائه آورده شود.

۱. در تفاسیر و کتب نحوی معتبر آمده است که ربنا الله افاده حصر میکند یعنی پروردگار ما فقط خدا است و این برآمده از توحید است و همچنین

بنابراین که آن را مصدریه بگیریم لا به معنی نهی است)

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

ایمان همراه با عمل

پس آن ایمانی موجب برتری و رفع ترس و حزن میشود که همراه و زاینده با عمل باشد.^۳

ایمان به وعده های الهی

یعنی فرد مؤمن معتقد باشد معتقد به چی؟ به آنچه خدا وعده داده است. و برای تحقق وعده های الهی گام بردارد و جلو برود نه اینکه صرفاً این ایمان را در دل خود نگه دارد. یکی از وعده های الهی نصرت خدا برای مومنین است. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ" " ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می کند" (بقره، ۷) " وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنصُرُهُ " و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می دهند یاری می رساند" (حج، ۴۰) و اینکه بداند خداوند وعده ی خود را نقض نمیکند. "إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ" (آل عمران، ۹) " مسلماً خدا خلف وعده نمی کند. " حالا که خدا گفته است نصرتش در گرو نصرت ما است و اینکه از وعده های خود تخلف نمی کند نتیجه ی این وعده که خدا میخواهد نصرت کند چه میشود. "إِن يَنصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ" (آل عمران، ۱۶۰) " اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد" اما اینکه ایمان داشته باشیم تا برتری پیدا کنیم تا

۳. آیا ایمان، به معنای باور و پذیرش فکری کامل، به تنهایی کافی است یا ایمان از این جهت که (نقشبند زندگی) و (زاینده عمل) است معتبر میباشد؟

قرآن- ایمان را همواره در کنار عمل به عنوان انگیزه برای ((پیمودن راهی درست به سوی مطلوب)) مورد نظر قرار داده است و در ده ها آیه، پادشاهای دنیوی و اخروی را بر ایمان با عمل توأم ساخته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَقْلَبُوا الْخَيْرَ لَكُمْ تَفْلِحُونَ (حج، ۷۷) - وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (حج، ۷۸) - إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا

ترسیم و محزون نشویم؛ و اینکه ما خدا را یاری کنیم، تا خداوند ما را یاری کند، تا پیروز شویم نیاز مند به یک مؤلفه‌ی بسیار لازم است

اعتماد به خود

و آن خودباوری و اعتماد به نفس است. اگر ما مردم، ما ملت ایران باور داشته باشیم به اینکه میتوانیم، آن موقع است که میتوانیم خدا را یاری کنیم، تا یاری خدا هم شامل حال ما بشود. «برای پیشرفت» و غلبه بر ذلت و عقب‌ماندگی، «خودباوری و اعتماد به نفس ملی» لازم است: «[برای پیشرفت] امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند.»^۴ #مبلغ گرامی در این بخش میتواند جهت توضیح بیشتر به بیانات رهبری اشاره کند. تاکید میشود. مبلغان گرامی در صورت نیاز از فیش‌های "خودباوری و اعتماد به نفس ملی" استفاده کنند در غیر این صورت موجب اطاله کلام و از دست دادن زمان میگردد.

🌟 شما عرضه هیچ کاری را ندارید!

ایران در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی عرصه‌ی حضور توأمان «استعمار و استبداد» بوده است. دورانی که ارمغانش برای ملت «ذلت» بود: «اما در این دوران طولانی دویست ساله‌ی منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذراندیم... ما در این دویست سال، یک دوران تاریک ذلت را از سر گذراندیم.»^۵ مستکبرین برای توسعه و تعمیق سلطه و چپاول‌گری خود در ایران «سنگر»هایی را به وجود آورده بودند: «در اینجا سنگرهایی به وجود آورده بودند که اول رژیم انگلیس، بعد رژیم آمریکا در سالهای بعد یا دهه‌های بعد، از این سنگرها استفاده میکردند برای دوام سلطه‌ی خودشان بر این کشور.»^۶ «تزریق روحیه‌ی بی‌اعتمادی به خود» یکی از اصلی‌ترین سنگرهای

۳.بیانات در ۱۳۸۱/۳/۱۴

۴. ۱۳۹۱/۳/۱۴

۵. ۱۳۹۰/۳/۱۴



دشمن برای استمرار تسلطش بر ایران بود: «یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملی؛ در مقابل چشمشان زرق و برق کشورهای غربی را مشاهده میکردند، پیشرفتهای علمی و پیشرفتهای فناوری و زرق و برق تمدنی مادی آنها را میدیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب‌ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود میکردند، احساس ناباوری به خود میکردند.^۷» در این میان سردمداران حکومت، خود در این زمینه نقش اصلی را بر عهده داشتند: «سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله‌ی غربی‌ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد.^۸» و البته «روشنفکران غرب‌زده» نیز در این مسئله با حکومت‌های استبدادی همکاری داشتند: «روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید.^۹»

خودباوری و اعتماد به نفس در صدر اسلام (شعب ابی طالب)

ایمان به وعده‌های خدا و خود باوری و اعتماد به نفس ملی سبب میشود، تا در هر شرایطی ما بتوانیم بر مشکلات غلبه کنیم و پیروز شویم. همانطور که مسلمانان صدر اسلام با خود باوری و اعتماد به اینکه ما میتوانیم اعتقاد به اینکه خداوند آنها را یاری می‌کند توانستند در شعب ابی طالب^{۱۰} با آن همه سختی بر کفار غلبه کنند و پیروز شوند. اگر آنها اعتقادی به توانستن خود نداشتن در همان ماه‌های اول مسلمانان می‌بایست خود را تسلیم کفار میکردند. در صورتی که آنها ایمان داشتند به خود و به نصرت خداوند.

۶. ۱۳۹۵/۱/۱

۷. ۱۳۹۰/۳/۱۴

۸. ۱۳۸۸/۳/۱۴

۹. در سال هفتم بعثت، رسول خدا(ص)، بنی‌هاشم و مسلمانان به سبب آزارهای مشرکان مکه به شعب پناه جستند و سه سال در محاصره اقتصادی و اجتماعی در این مکان به سر بردند. امام علی(ع) در نامه‌ای به معاویه به دشمنی قریش و محاصره ۳ ساله شعب ابی‌طالب اشاره کرده است.

مبلغ گرامی میتواند در صورت نیاز در رابطه با شعب ابی طالب از محتوای ذیل استفاده کند. آنچه در اینجا مقصود است تحمل و تاب آوری و ایمان مسلمانان است. لذا این بخش بیشتر در بین افراد انقلابی مطرح میشود نه عامه مردم.

شعب ابی طالب

✪ خویشان ما (قبیله قریش) بر این شدند که پیامبر ما را بکشند و نسل ما را براندازند. درباره ما تصمیم گرفتند و ستمها رواداشتند. خواروبار از ما قطع کردند و آب گوارا از ما بازگرفتند و ما را در جایگاه بیم و هراس نشانندند و جاسوسها بر ما گماشتند و ما را ناچار ساختند تا در میان کوهی ناهموار پناه جوییم و بدین اکتفا نکرده جنگ علیه ما افروختند و پیماننامه در میان خود علیه ما نوشتند بدین مضمون که با ما هم خوراک نشوند و با ما آب ننوشند و با ما وصلت و ازدواج نکنند و خرید و فروش نمایند و از آنان در امان نباشیم.^{۱۱}

جنگ احزاب یا خندق

و یا در جنگ احزاب (خندق) که تعداد مشرکین ده هزار نفر بود درحالی که تعداد مسلمانان سه هزار نفر بیشتر نبود، اگر مسلمانان به وعده خدا ایمان نداشتند و اعتماد نفس و خودباوری ملی نداشتند، با شنیدن تعدادنفرات مشرکین باید فرار میکردند یا خود را تسلیم سپاه مشرکین میکردند

خلاصه تابلوی اول

* فرمول موفقیت و برتری ایمان است.

و عده های الهی، که تخلف ناپذیر است.

خود، و خود باوری ملی است.

* ایمان به

۱۰. شوشتری، بهج الصباغه، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۳۵۵

* توجه به حماسه‌هایی (شعب ابی طالب، جنگ احزاب) که مسلمانان با تکیه بر این دو مؤلفه پیروز شدند.

تابلوی دوم

حلقه وصل و رابط بین تابلوی اول و دوم

انقلاب اسلامی ما هم که نشأت گرفته از همان حرکت پیامبر گرامی اسلام و ادامه دهنده راه انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) است عاری از این حماسه‌ها نمیباشد.

علت برای اثبات ولایت فقیه ادامه حرکت انبیاء از دو بیان

امام خمینی: ولایت فقیه همان ولایت رسول الله (ص) است (صحیفه، ج ۱۰، ص ۳۰۸)

امام خمینی: ولایت فقیه استمرار حکومت انبیاء است.

و یاهمان طوری که سردار دلها حاج قاسم سلیمانی در وصیت نامه خودش میگوید:

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص). (فرازی از وصیت نامه حاج قاسم سلیمانی)

مبلغ گرامی میتواند با تشخیص و شناسایی فضای مخاطبین از فرازهای بیشتری از وصیت نامه حاج قاسم استفاده کند.

✦ برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به‌دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

✦ جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد، دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.

✦ بدانید که می‌دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌دید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپرد و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

✦ برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.

این حماسه‌ها عبارت است از:

بهمن ۱۳۵۷، شکستن حکومت نظامی

اگر ملت غیور و خود باور ایران، در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (رحمة الله علیه) به خیابان ها نمی آمدند و حکومت نظامی شکسته نمی شد، امروز ایرانی، قوی و قدرتمند نداشتیم. امام خمینی با اعتقاد، و باور به مردم بود که این فرمان را صادر کرد. و ما ملت بزرگ ایران عظمت های زیادی را با تکیه بر خود باوری و اعتماد به نفس ملی و ایمان به وعده های الهی خلق کرده ایم. # مبلغ میتواند در این بخش (حماسه های معاصر) از کلمات حماسی استفاده کرده تا مخاطب روحیه بزرگی و عظمت خودش را باور کند.

هشت سال دفاع مقدس با تمام سختی هایش با تمام کمبود امکانات و با زورگویی ابر قدرت ها سرانجام به پیروزی رسید. بدون اینکه حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی کم شود. این خود شما، پدران یا برادران و یا اقوام ما بودند که استقامت کردند^{۱۲}. خدا را یاری کردند سرانجام کار خدا هم آنها را یاری کرد.^{۱۳} تمام قد ایستادند و از دین و انقلاب و کشور حمایت کردند تا این انقلاب به دست ما برسه.

در این بخش (مصادیق معاصر) مبلغ گرامی دائما برگشت به آیات داشته باشد.

مستندات سختی های دفاع مقدس

✨ من بارها گفته ام، ما یک وقت میخواستیم برای جبهه ها سیم خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمیشد - از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نداد ما سیم خاردار را از داخل کشور عبور دهیم و به ایران بیاوریم. گفت این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آنها به دو طرف جنگ کمک نمیکنند! این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی،

۱۱. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

۱۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود! (۱۳۷۹/۷/۶)

✦ من خودم یک شب رفتم تعداد تانکهای تپیی را که به طور سازمانی باید در حدود صدوبیست دستگاه تانک می‌داشت، شمردم؛ دیدم هفده تانک دارد! یک تیپ ارتشی در دُبَّ حردان جلو نیروهای عراقی مستقر شده بود؛ اما به جای صدوبیست تانک، هفده دستگاه تانک داشت! می‌گفتند نمی‌شود؛ اما جوان ایرانی نشان داد که می‌شود. جوان بسیجی، جوان سرباز، جوان افسر - چه ارتشی و چه سپاهی - معجزه آفرید و نشان داد که می‌شود. (۱۳۸۰/۲/۱۲)

فتنه‌ها، نقشه شوم دشمن برای از بین بردن انقلاب

یا در فتنه‌هایی که از اول انقلاب دشمنان طراحی کردند. در فتنه‌ی خلق مسلمان، خود تبریزی‌ها [در صحنه] بودند؛ یعنی کسانی که آن فتنه‌ی خلق مسلمان را راه انداختند، تصور میکردند که میخواهند برای تبریز و آذربایجان کاری بکنند [اما] آن که در مقابل فتنه ایستاد، خود مردم تبریز بودند و آنها بودند که نگذاشتند و امام این را همان وقت گفتند؛ گفتند کسی نمیخواهد دخالت بکند، خود مردم تبریز جواب آنها را خواهند داد.^{۱۴}

فتنه ۷۸ چرا منجر به شکست نقشه دشمنان شد. چون، [دشمنان] اولین محاسبه‌ی غلطشان [نسبت به حادثه ۱۸ تیر ۱۳۷۸]، محاسبه‌ی غلط در باره‌ی ملت ایران بود. خیال کردند ملت ایران از اسلام و از انقلاب و از امام بریده است. نفهمیدند که این ملت، همان ملتی است که با اقتدار عظیم خود توانست نظام فاسدی را که آمریکاییها و دیگران، اطرافش هفت حصار درست کرده بودند، از داخل این کشور بردارد و آن را نابود کند. این ملت، همان ملتی است که در کودتای امریکایی بهمن ۱۳۵۷ به دستور

امام به خیابان آمد و در ظرف چند ساعت کار را تمام کرد. این ملت، همان ملتی است که در دفع کودتای باز امریکایی در این کشور در سال ۵۹، در میدان و در صحنه آن چنان حضوری پیدا کرد که همه‌ی امیدها را قطع نمود. این ملت، همان ملتی است که در اغتشاش منافقین در سال ۶۰، آن چنان قدرت خود را نشان داد که دشمنی را که به عناصر مزدور و خودفروخته و روسیاه منافق دل بسته بود، مأیوس کرد. این ملت، همان ملتی است که هشت سال تمام، جنگی را که همه‌ی قدرتهای موجود و مادی دنیا به طرف مقابل ما کمک کردند، با حضور خودش در صحنه، با همین بسیج، با همین دانشجویان، با همین جوانان، با همین کارگران، با همین روستاییان و با همین شهریها، توانست علیه خود آنها تمام کند.^{۱۵} دشمنان در سال ۸۸ خطا کردند و آن فتنه را راه انداختند و کار را به جاهایی رساندند که به خیال خودشان جاهای بسیار باریک و حسّاس و دقیقی بود، [اما] ناگهان حرکت عمومی نهم دی همه را مبهوت کرد.^{۱۶} و عیناً همین حماسه ولایی در ۹۶ هم موجب خنثی شدن نقشه دشمن شد. # مبلّغان گرامی حتماً مطالعه فردی در این زمینه (فتنه ها) داشته باشند.

ملت حاضر در صحنه

۱. تشییع شهدای مدافع حرم

نیاز نمی باشد تا تمامی متن ذیل خوانده شود.

این شهدای ما، همین جوانهای شما، همین عزیزان و امثال اینها اگر نمیرفتند و دفاع نمیکردند، امروز دشمنان اهل بیت، حرم حضرت زینب را با خاک یکسان کرده بودند، سامرا را با خاک یکسان کرده بودند، اگر دستشان میرسید کاظمین و نجف و کربلا را هم با خاک یکسان کرده بودند؛ این کارها را آنها در تاریخ کردند، ما خبر داریم. بزرگان آنها و گذشتگان آنها، همان کسانی هستند که تقریباً دویست

۱۳۸۷/۰۵/۸.۱۴

۱۳۹۵/۱۰/۱۹.۱۵

سال قبل، کربلا را غارت کردند؛ مردم را قتل‌عام کردند؛ رفتند حرم امام حسین، داخل حرم مطهر حسین بن علی (علیه‌السلام) - که آن قبه، خانه‌ی عرش الهی است، مهبط (۶) ملائکه‌ی الهی است - ضریح حضرت را شکستند، صندوق چوبی را شکستند، آتش زدند، رویش قهوه درست کردند و نشستند قهوه خوردند؛ اینها همانها‌یند. اگر این جوانهای شما نبودند، اگر نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، قضیه همان قضیه بود، مسئله همان مسئله بود. اینها رفتند از مرز ولایت دفاع کردند، از مرز دین و حریم اهل بیت دفاع کردند و به شهادت رسیدند.^{۱۷}

خلاصه آنچه که در این بخش باید گفته شود: اینکه مدافعان حرم که امروز با تمام شوق می‌روند از حرم اهل بیت (ع) دفاع کنند اینها بزرگ شده‌ی شما پدران و مادرانی هستند که آنها را با عشق به دین، اسلام، کشور بزرگ کرده‌اید و ما می‌بینیم تشییع این شهدای عزیز رو که با چه عظمت و بزرگی رخ می‌دهد که نشان می‌دهد ما مردم خسته نیستیم بلکه با این کار روحیه دوباره‌ای می‌گیریم.

فیش ذیل جهت اهمیت کار شهدای مدافع حرم آورده شده است.

ارزش کار شهدای مدافع حرم

✪ ارزش شهدای ما هم باید معلوم باشد. شهدای دفاع از حرم اگر نبودند، ما باید حالا با عناصر فتنه‌گر خبیث دشمن اهل بیت و دشمن مردم شیعه، در شهرهای ایران می‌جنگیدیم. در برنامه‌های دشمن بود دیگر؛ در عراق که بودند، اینها در یک منطقه‌ای بودند و سعی می‌کردند خودشان را بکشاند به سمت منطقه‌ی مرزی با جمهوری اسلامی؛ و خودشان را برسانند به مناطق شرقی‌شان که همسایه‌ی جمهوری اسلامی است؛ سعی می‌کردند بیایند به این استانهایی که با ما هم‌مرزند؛ جلوی‌شان گرفته شد، بهشان تودهنی زده شد، تارومار شدند، پدرشان درآمد، حالا [هم] که دارند بکلی ازاله می‌شوند، جارو می‌شوند. در سوریه هم همین‌جور؛ اگر این کاری را که سرداران با ارزش ما انجام دادند انجام نمی‌دادند، به قول این آقای مداح عزیزمان، حالا باید در همین دوروبر و اطراف با اینها می‌جنگیدیم؛ باید در همین خیابانهای

خودمان و شهرهای خودمان با اینها مبارزه میکردیم. بخش مهمی از این امنیتی که امروز شما دارید، مربوط به همین مدافعان حرم است.»

سوار بر موجی از جنس عشق

عشق و اردات ما مردم به سردار دلها حاج قاسم سلیمانی باعث شد تا تمام دشمنان اسلام و انقلاب بفهمند که ما مردم ایران پای این کار انقلاب هستیم. نشان داد انقلاب ایران در قلب های مردم جای گرفته است. # مبلغ گرامی میتواند جهت تلطیف فضا یادآور فضای تشییع و موقعی شود که خبر شهادت حاج قاسم داده شد.

مبلغ گرامی میتواند برای تکمیل مطالب خود میتواند از بیانات ذیل استفاده کند.

عظمت کار ملت، در تشییع حاج قاسم و شهدای همراه

نمونه‌ی دیگر این ظرفیت معنوی، اندکی قبل از همین حوادث، مربوط به حرکت خیره‌کننده‌ی مردم در بدرقه‌ی شهید سلیمانی است. شما دیدید ملت ایران چه کردند؛ چه کردند در تهران، چه کردند در شهرستان‌های مختلف، مردم چگونه با این قضیه‌ی مهم -شهادت یک سردار برجسته- مواجه شدند. خطا است اگر ما خیال کنیم این فقط یک حرکت عاطفی محض بود؛ بلکه عواطف هم تأثیر داشت، لکن این حرکت خیلی فراتر از یک حرکت عاطفی محض بود؛ این، ایمان به جهاد مردم را نشان میداد. مردم نشان دادند که به جهاد در میدان مقاومت معتقدند، به مبارزه معتقدند، به مقاومت در مقابل استکبار معتقدند. مردم نشان دادند که به کسی که مظهر اقتدار ملی و اقتدار جهادی ایران است احترام میگذارند. شهید سلیمانی مظهر این اقتدار بود، در کل منطقه اقتدار ملی ایران را به رخ دشمنان کشور و دشمنان انقلاب میکشید، مظهر این روحیه‌ی اقتدار ملی بود، مردم به این احترام گذاشتند. این مسئله، مسئله‌ی خیلی مهمی است؛ یک چنین ظرفیتی خیلی باارزش است؛ نشان داد که مردم برای قهرمان ملی خودشان چه اهمیتی قائلند؛ مثنی بود به دهان آن کسانی که درباره‌ی این چهره‌ی درخشان یاوه‌گویی میکنند، حرفهای متناسب خودشان را میزنند.^{۱۸}

استقامت در مقابل تحریم ها

اولاً محاصره‌ی اقتصادی و تحریم که آمریکا علیه ما انجام داد و علیه بعضی از کشورهای دیگر هم انجام می‌دهد، یکی از جنایتهای بزرگ دولتها است. به مسئله‌ی تحریم به شکل یک کار سیاسی یا دیپلماسی نباید نگاه کرد؛ این واقعاً جنایت است. اینکه یک ملت را تحریم کنند که نتواند دارو وارد کند، نتواند ابزار پزشکی وارد کند، نتواند امکانات غذایی وارد کند -حالا ما الحمدلله گلیم خودمان را از آب بیرون میکشیم و کشیده‌ایم، اما بعضی از کشورها هستند که نمیتوانند این کار را بکنند- واقعاً جنایت بزرگی است و این جنایت از دولتی مثل آمریکا برمی‌آید که میتواند در یک روز ۲۲۰ هزار نفر را به قتل برساند؛ این جنایت را بعضی از قدرتها از جمله آمریکا کردند. این را بدانید که تحریم و محاصره‌ی اقتصادی قطعاً یک جنایت بزرگ است. (۱۴۰۰/۱/۱)

تجربه‌ی سه دهه ایستادگی موفقیت‌آمیز در برابر زورگوئی‌ها و فشارهای همه‌جانبه‌ی آمریکا و متحدانش، جمهوری اسلامی را به این باور قطعی رسانده است که مقاومت یک ملت متحد و دارای عزم راسخ، قادر است بر همه‌ی خصومتها و عنادها فائق آید و راه افتخارآمیز به سوی هدفهای بلند خود را بگشاید. پیشرفتهای همه‌جانبه‌ی کشور ما در دو دهه‌ی اخیر واقعیتی است که در برابر چشم همگان قرار دارد و رصدکنندگان رسمی بین‌المللی مکرراً بدان اذعان کرده‌اند؛ و این همه در شرایط تحریمها و فشارهای اقتصادی و تهاجم تبلیغاتی شبکه‌های وابسته به آمریکا و صهیونیسم افتاده است. تحریمهایی که یاوه‌گویان، آن را فلج‌کننده نامیدند، نه تنها ما را فلج نکرده است و نخواهد کرد، بلکه گامهای ما را محکمتر، و همت ما را بلندتر، و اطمینان ما را به درستی تحلیلهای خود و نیز به توانائی درون‌زای ملتمان راسختر کرده است. ما یاری خداوند را در این چالشها بارها و بارها به چشم دیده‌ایم. (۹۱/۶/۹)

مبلغ میتواند در این بخش از تحریم های ظالمانه دشمن و ایستادگی ملت بگوید.

خلاصه تابلوی دوم

همان طوری که مسلمانان صدر اسلام با ایمان به خدا و وعده های الهی، ایمان به خود و اعتماد به خود باوری ملی توانستند حماسه ها خلق کنند. ما مردم ایران هم که امروز پرچم اسلام به دست ما است و به عنوان قرارگاه اسلام با تکیه بر ایمان و خودباوری ملی حماسه ها و عظمت هایی در این زمینه ها خلق کردند.

در عرصه های مختلفی مانند:

* هشت سال دفاع مقدس

* فتنه ها

* تشییع سردار دلها

* ایستادگی در برابر تحریم ها

عظمت ها

تابلوی سوم

مشکل کنونی

مبلغ گرامی در این بخش توجه داشته باشد که این مطلب را میخواهیم متذکر به مخاطب شویم حالا که انقلاب ما ادامه دهنده راه انبیاء و اولیاء است و کشور ما به عنوان قرارگاه اسلام در جهان شناخته شده است میتوانیم با ایمان به وعده های الهی و خودباوری، این جنگ امروز که جنگ اقتصادی هست رو مثل دیگر جنگ ها و عرصه های مختلفی که با آن روبرو بوده ایم و مردم خودشان حماسه

آفریدند این رو هم درست کنند این با چی درست میشه ایمان به خدا و وعده هایش و ایمان به خود و شرکت در انتخابات، اینکه بیایم پای کار و البته انتخاب درست داشته باشیم. تا این مشکل هم درست شود.

مبلغ گرامی در این بخش هر مقدار میتواند به جای لفظ مشکل، یک مشکل، یک مشکل از هزاران مشکل و الفاظی که موجب ناامیدی و ایجاد شبهه در مخاطب میگردد از لفظ عرصه کنونی یا چالش کنونی استفاده کند.

مشکل کنونی

گفتیم ایران عزیز ما در هر برهه‌ای از زمان همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است که به برکت حماسه‌ها و عظمت ملت خودش (که ما مردم باشیم) سربلند شده است امروز هم مشکل کنونی ما و عرصه‌ی پیش روی ما عرصه جنگ اقتصادی است. و همانطوری که در عرصه‌ها و مشکلاتی که با آن مواجه بوده ایم و خودمان توانسته ایم آنها را با ایمان به وعده الهی و ایمان به خود و خودباوری ملی در آن عرصه‌ها پیروز شویم؛ امروز هم با ایمان به نصرت خدا و ایمان به خود و اعتماد به نفس ملی میتوانیم در این عرصه کنونی یعنی جنگ اقتصادی بر آن غلبه کنیم و پیروز شویم.

راه حل مشکل

چرا که راه حل همه عرصه‌ها و گاهاً مشکلاتی که با آن روبرو هستیم به دست خود ما است چرا که قرآن میفرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ" " خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!" (رعد، ۱۱) راه حل این مشکل به دست خود ما است. اما کی و چگونه باید برای حل این عرصه و مشکل اقدام کرد؟

چیکار باید کنیم؟

مبلغ گرامی توجه داشته باشد در اینجا به نحوی ارائه ندهد که انگار مخاطب نمی خواهد در انتخابات شرکت کند. یعنی فضای مخاطب را به این سمت نبرد که الان ۵۱ درصد جامعه نمیخواهد در انتخابات شرکت کند. بلکه مفروض ذهنی او شرکت در انتخابات است مانند گذشته. (قضیه ماکارانی)

انتخابات عرصه تعیین سرنوشت و حل مشکلات کشور

این حماسه در بستر و عرصه انتخابات است که شکل میگیرد چرا که علاج تمام درد های مزمین کشور بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب شرکت در انتخابات است. یعنی دولت اسلامی و قوه مجریه حل کننده و برطرف کننده این جنگ اقتصادی است. البته شرکت در انتخابات لازم است اما کافی نیست چرا که علاوه بر شرکت باید درست هم انتخاب کنیم. حالا ویژگی های اصلح یا انتخاب درست چیست؟

ویژگی های اصلح

در این بخش علاوه بر شاخص های اصلح، ۴ شاخص + داستان برای تطبیق شاخص ها آورده شده است. لذا مبلغ گرامی ما بقی شاخص ها را به طور خلاصه وار توضیح دهد. همچنین نیازمند است که مبلغ گرامی حتماً یک مطالعه فردی نسبت به شاخص ها داشته باشد.

احتمال اینکه بعد از توضیحات از راوی پرسیده شود که به چه کسی رأی بدهیم؛ راوی گرامی سعی کند به جای معرفی شخص در اول بحث، از مخاطب مطالبه کند که: شما بفرمایید که در انقلاب هستید و سابقه رای دادن دارید. و در آخر اسم کاندیدای اصلح را به او بفهماند.

ویژگی‌های نامزد اصلح

از بیانات ۲۸ سال گذشته

تعداد تکرار			
۳۰	■ از شیوه‌های تبلیغاتی صحیح استفاده نماید	الف) ویژگی‌های انتخاباتی	
۱۶	■ از بداخلاقی‌های انتخاباتی پرهیز کند		
۲۸	■ به مبانی و ارزش‌های اسلام، انقلاب و اهداف ملت پایبند باشد	ب) ویژگی‌های فردی	
۲۰	■ با مردم صمیمی باشد و خود را خدمتگزار مردم بداند		
۱۹	■ استکبار ستیز، شجاع و مقاوم در برابر فشارهای دشمن باشد		
۱۸	■ مؤمن، با تقوا و متوکل به خدا باشد		
۱۰	■ ساده‌زیست باشد و از اشرافیگری اجتناب کند و متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد		
۵	■ امانت‌دار، پاکدامن و به دور از فساد باشد		
۵	■ به توانایی‌ها و نظرات مردم ایمان داشته باشد		
۲	■ صادق و روراست باشد		
۳۳	■ برای مدیریت اجرایی کشور قوی و کارآمد باشد		ج) ویژگی‌های کاری
۳۱	■ خستگی ناپذیر و دارای همت جهادی باشد		
۱۵	■ نیازهای جامعه و مردم را بداند و از درد آنها احساس درد کند		
۱۱	■ بصیر و هوشمند، باتدبیر و بابرنامه باشد		
۱۱	■ اهل اجرای عدالت و مبارزه بایی عدالتی باشد		
۱۱	■ در جهت آرمان‌ها و پیشرفت کشور قدم بردارد		
۷	■ التزام به قانون داشته باشد		
۶	■ پایبند به اقتصاد مقاومتی باشد و برای پیشرفت، نگاهش به بیرون مرزها نباشد		

پنج ویژگی در تابلو

علاوه بر جدول ویژگی ها، پنج ویژگی در تابلو ذکر شده است که عبارت اند از ویژگی های ذیل که متناسب با هر کدام داستان و تطبیق آن ویژگی بر فرد آورده شده است که مبلغ عزیز میتواند به طور خلاصه به آن ها حین روایت گری اشاره کند.

*دارای کفایت و میریت

*با ایمان و لبریز از امید

*معتقد به توانمندی های داخلی

*انقلابی، عدالتخواه، ضد فساد

*معتقد به مردم و جوانان

مبلغ گرامی توجه داشته باشد که هر کدام از ویژگی ها و شاخص ها را متناسب با فضا و زمان مقداری توضیح دهد.

اما پنج ویژگی همراه با مثال و داستان آورده شده است که مبلغ میتواند به طور خلاصه از آنها استفاده کند.

۱. عدالت خواهی

چندی بعد ارباب رجوع معتبری به اداره ما مراجعه کرد که حتی مدیر عامل در برابرش بشدت احترام می کرد. ظاهراً او با مسئولان رده بالا از جمله آیت الله بهشتی، حشر و نشر داشت. ولی خواسته او خلاف قانون و ضوابط اداری بود. هم مدیر ما و هم ما می خواستیم یک جوری کار او را حل و فصل کنیم. مدیر اداره چند بار مرا احضار کرد و در باره کار او بحث کردیم ولی نمی شد کاری کرد. تأییدیه

ای که او می خواست خلاف قانون بود. در صورت پذیرش درخواست او می بایست درخواست افراد متعددی را که به نحوی کارشان شبیه او بود بپذیریم که این مسئله همه ما را در مظان اتهام و خطر اخراج قرار می داد. اوضاع جوری بود که نمی شد به صورت محرمانه کار او را حل کرد. چیزی نبود که بشود پنهان کرد. چند بار با زبان احترام و ادب موضوع را با خود او در میان گذاشتیم ولی او عصبانی شد و ما را به ضدیت با انقلاب و دشمنی با انقلابیون و یاران امام متهم ساخت و دست آخر هم جلوی مدیر اداره همه ما را تهدید کرد که : شما نمی خواهید کار کنید. کار شما با کار ضد انقلاب چندان تفاوتی ندارد. من از شما به آیت الله بهشتی شکایت خواهم کرد و حق شما را کف دستتان خواهم گذاشت. راستش همه ما خصوصاً مدیر اداره جا خوردیم. ما همه ساکت بودیم و آقای مدیر با لبخندی ذلیلانه به او می نگریست و نمی دانست چه بگوید. وقتی او رفت مدیر ما که می توانم بگویم از مدیران آرمان گرای اوایل انقلاب بود فقط گفت: هرچه بگردد نمکش می زنند - وای به روزی که بگردد نمک. تا مدتی همه ما منتظر احضار از سوی قوه قضاییه یا بازخواست مسئولان رده بالا بودیم ولی نه تنها هیچ خبری نشد بلکه آن ارباب رجوع متکبر نیز دیگر مراجعه نکرد. بعد از یکی دو هفته نامه ای از سوی دفتر آیت الله بهشتی به اداره رسید که مدیر ما آنهایی را که درگیر کار بودند به اتاق خود فراخواند و دست خط زیبای آیت الله بهشتی را به ما نشان داد. آن مرد بزرگ در زیر شکوائیه تند ارباب رجوع ما نوشته بود: به کار ایشان رسیدگی کنید. اگر مطابق ضوابط قانونی بود طبق روال اداری اقدام شود والا به ایشان پاسخ منفی دهید. همه ساکت بودیم. مدیر ما سر بلند کرد و در حالی که انگشت سبابه دست راستش را بالا آورده بود گفت: به این می گویند مرد. دوستان خوشحال باشید که حالا ما یک عدالتخانه داریم. حالا ما واقعاً یک دادگستری داریم.

یکی از جالب‌ترین خاطراتی که از شهید باکری در دوران شهردار بودنش به جا مانده آمده است این است که باران شدیدی در شهر باریده بود و جوی‌ها را لبریز از آب کرده بود. وقتی شهید باکری این وضعیت را می‌بیند، تلفن را برمی‌دارد و گروه‌های امدادی را خبر می‌کند. گروه‌های امداد به سرپرستی مهدی باکری به سمت محلات مستضعف‌نشین که گرفتار سیل شده بودند، راه می‌افتند. حجم آب لحظه به لحظه بیشتر می‌شد و مردم سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون می‌آمدند. بعضی از خانه‌ها ویران شده بود و تیرک‌هایشان بیرون زده بود. گروه‌های امدادی به خاطر حجم زیاد آب و گل و لای به سختی کارشان را پیش می‌بردند. شهید باکری متوجه خانه‌ای شد که آب آن را فراگرفته بود. در حیاط خانه پیرزنی فریاد می‌کشید و کمک می‌خواست. مهدی باکری در راه داد و باز کرد. آب تا بالای زانو رسیده بود. از پیرزن پرسید که آیا کسی زیر آوار مانده یا نه؟ پیرزن بر سر و صورت زنان گفت که وسایل خانه و کل زندگی‌اش زیر آوار مانده و آب به زیرزمین رفته است. گویا جهیزیه دخترش که با سختی آن را جمع کرده بود در زیرزمین جامانده و خیس شده بود. آقا مهدی به کمک دوستانش جلوی در، سد خاکی درست کردند تا آب بیشتری داخل خانه نیاید. شهید باکری به کوچه دوید و وانت آتش‌نشانی را پیدا کرد و به خانه پیرزن آورد. چند لحظه بعد شیلنگ پمپ در زیرزمین فرو رفت و آب مکیده شد. پمپ کار می‌کرد و آب زیرزمین لحظه به لحظه کم می‌شد. مهدی غرق گل و لای شده بود. پس از دقایقی پمپ همه آب زیرزمین را خالی کرد. پیرزن که حالش بهتر شده بود، شروع کرد به دعا کردن مهدی باکری. گفت: خدا خیرت بدهد پسرم. آن شهردار فلان فلان شده کجاست تا کمی از غیرت تو یاد بگیرد. تا لحظه‌ای که شهید باکری وسایل را جمع کند و از خانه بیرون برود، پیرزن مشغول دعا کردن مهدی و نفرین شهردار ارومیه بود!

۳. جوان‌گرایی

جوان‌گرایی و توجه جدی به حضور جوانان در عرصه مدیریتی کشور دیگر مؤلفه مهم مدیریتی شهید رجایی بود که همواره آن را سرمشق خود برای گزینش افراد قرار داده بود. یکی از دوستان و همکاران او با اشاره به این روحیه می‌گوید: آقای رجائی فرد بسیار عاقل و مدیری بود. گاه حرف‌هایی را که خودش صلاح نمی‌دید بزند از زبان دیگران کمک می‌گرفت. از جمله وقتی در جلسه‌ای بحث بر سر به کارگیری نیروهای مناسب بود، قبل از جلسه به من گفت: چون در این جمع تو از همه جوان‌تر هستی، سعی کن در کارها از نیروی جوان بیشتر از دیگران استفاده کنی، چون کار را باید جوانان بکنند. نظر ایشان این بود که هرچند افرادی که ۲۰ سال خدمت کرده‌اند تجربه دارند و باید از آنان استفاده کرد، ولی اینان هرچه داشته‌اند رو کرده‌اند. ایشان فکر خودش را از طریق من به جلسه سرایت داد و بعد هم در انتخاب وزراء و همکاران خود به این عامل مهم جوان‌گرایی در مدیریت کاملاً وفادار ماند.

۴. پرکاری

از دیگر مؤلفه‌های مدیریتی شهید رجایی می‌توان به پرکاری وی اشاره کرد. همسر شهید رجایی با تاکید بر این مهم می‌گوید: «در دورانی که مشاور وزیر آموزش و پرورش بود، با اینکه خیلی دیر وقت به خانه می‌آمد، اما همیشه همراه خودش پرونده‌های زیادی می‌آورد...»

صادق عزیزی که خود از نزدیک شاهد پرکاری شهید رجایی بود می‌گوید: «خود من بارها شاهد بودم محافظی که همیشه پشت سر آقای رجائی سر حال و هوشیار مراقب اطراف بود، آخر شب یعنی ساعت ۱۲ و ۱۲/۵ شب که می‌شد دیگر نمی‌کشید و مدام چرت می‌زد و آثار خواب و علائم خستگی در چهره‌اش پیدا بود. چون همه اعضای هیئت و محافظین همراه ایشان از ساعت اولیه صبح که بیدار می‌شدند به همراه ایشان از ساعت اولیه صبح که بیدار می‌شدند به همراه ایشان در برنامه‌های کاملاً

فشرده ساعت به ساعت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر می‌رفتند و لذا خیلی خسته می‌شدند اما ایشان گویی اصلاً چیزی به نام خستگی نمی‌شناسند.»

۵. جوان‌گرایی

جوان‌گرایی و توجه جدی به حضور جوانان در عرصه مدیریتی کشور دیگر مؤلفه مهم مدیریتی شهید رجایی بود که همواره آن را سرمشق خود برای گزینش افراد قرار داده بود. یکی از دوستان و همکاران او با اشاره به این روحیه می‌گوید: آقای رجائی فرد بسیار عاقل و مدیری بود. گاه حرف‌هایی را که خودش صلاح نمی‌دید بزند از زبان دیگران کمک می‌گرفت. از جمله وقتی در جلسه‌ای بحث بر سر به کارگیری نیروهای مناسب بود، قبل از جلسه به من گفت: چون در این جمع تو از همه جوان‌تر هستی، سعی کن در کارها از نیروی جوان بیشتر از دیگران استفاده کنی، چون کار را باید جوانان بکنند. نظر ایشان این بود که هرچند افرادی که ۲۰ سال خدمت کرده‌اند تجربه دارند و باید از آنان استفاده کرد، ولی اینان هرچه داشته‌اند رو کرده‌اند. ایشان فکر خودش را از طریق من به جلسه سرایت داد و بعد هم در انتخاب وزراء و همکاران خود به این عامل مهم جوان‌گرایی در مدیریت کاملاً وفادار ماند.

نتیجه

ما مردم با ایمان به خدا و وعده‌های الهی، و ایمان به خود و خودباوری و اعتماد به نفس ملی همانطوری که حماسه‌های مختلفی را خلق کردیم و با تکیه بر این دو مؤلفه توانستیم بر مشکلات خود پیروز شویم امروز هم میتوان با تکیه و ایمان به خدا و خود در این عرصه جنگ اقتصادی پیروز شویم به شرطی که آن دو مؤلفه ایمان به نصرت خدا و ایمان به خود را از دست ندهیم و مانند قبل که همواره در انتخابات شرکت کرده ایم این بار هم با حضور حماسی و حداکثری و انتخاب درست، یعنی انتخابی که ویژگی‌های اصلح را دارد میتوانیم در این عرصه جنگ اقتصادی هم پیروز شویم تا نصرت خدا برای ما حاصل شود و امت برتر قرار بگیریم.

مبلغ گرامی در نتیجه گیری از سه تابلو حتما مؤلفه ایمان به نصرت خدا و علی الخصوص ایمان به خود و خودباوری ملی را که موتور حرکت دهنده نصرت خدا است را مورد تأکید قرار دهند و در آخر این را متذکر شوند که حضور پرشور + انتخاب درست است که موجب پیروزی میشود.

*# مبلغ گرامی حتما بعد از نتیجه گیری خود این سوال را مطرح کند که شرکت در

انتخابات چه فایده‌ای دارد؟

فوائد مشارکت در انتخابات

*تحقق مردم سالاری به معنای واقعی کلمه

*زیاد کردن توانایی ها و قوت دولت منتخب

*بالا بردن قدرت بازدارندگی کشور

*امنیت دادن به کشور

*ایجاد آبرو برای کشور

یا علی مدد